

نقد اکوفمینیستی داستان «آبی‌ها»

دکتر زهرا پارساپور*

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

در این پژوهش روش خوانش اکتشافی داستان «آبی‌ها» از منیرو روانی پور نشان داده می‌شود که تا چه اندازه در حوادث و رویدادهای این داستان - که در پیوند با باورهای بومی مردم جنوب است - ارتباط میان زنان و طبیعت را می‌توان ملاحظه کرد. تفاوت نگاه زنان و مردان در این داستان به طبیعت چیست؟ مبتنی بر این پژوهش، می‌توان گفت، منیرو روانی پور با دغدغه‌های زنانه خود توانسته است در این داستان - و البته دیگر داستانهای خود- علاوه بر تأکید بر دوگانه زن و مرد با مطرح ساختن موجودی افسانه‌ای مانند پری به نوعی ارتباط نزدیک میان زن و طبیعت را نشان می‌دهد. زنان این داستان بر خلاف مردان فارغ از نگاه سودجویانه، نوعی رفتار مراقبتی و همدلانه با طبیعت دارند. روانی پور همچنین با تقسیم پریان به آبی‌ها و قرمزها، توانسته است چهره دو گانه طبیعت را نشان دهد. چهره‌ای که متناسب با رفتار انسانها (مردان) به یکباره تغییر می‌کند و زنان، این تغییرات ناگهانی را بهتر درک می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: اکوفمینیسم، زن، طبیعت، پری دریایی، منیرو روانی پور.

من پری کوچک غمگینی را
می شناسم که در اقیانوسی مسکن دارد
و دلش را در نی لیک چوبین
می نوازد آرام، آرام
پری کوچک غمگینی
که شب از یک بوسه میمیرد
و سحرگاه از یک بوسه به دنیا خواهد آمد (فروغ فرخزاد)

مقدمه

اکوفمینیسم^۱ یا رویکرد اصالت طبیعت و زن محصول دغدغه همزمان سلطه بر طبیعت و زن است. از سویی آن را شاخه ای از فمینیسم رادیکال می دانند و از سوی دیگر با رویکرد بوم شناسی ژرف^۲ پیوند می دهند؛ در عین حال اکوفمینیسم همزمان از مباحث اخلاق زیست محیطی و اخلاق فمینیستی به شمار می رود. نخستین بار این اصطلاح را فرانسوا دابون^۳ در سال ۱۹۷۴ در کتابش با عنوان «فمینیسم یا مرگ» به کار برد. سلطه مردان بر زنان در طول تاریخ / سلطه انسان بر طبیعت در طول تاریخ، ارتباط میان سلطه همزمان مردان بر زنان و طبیعت، وجهه زیانبار و منفی این سلطه هم بر زن و هم طبیعت و نیز اختلاف نگرش مردان و زنان نسبت به طبیعت از مباحث اصلی اکوفمینیسم به شمار می آید. اکوفمینیستها^۴ مردان را مظهر صفات جاه طلبی، پرخاشجویی و ویرانگری بویژه در منابع طبیعی و محیط زیست می دانند و بحرانهای زیست محیطی را اصولاً با ارزشهای منفی مردانه و نگرش مردان در باره طبیعت ربط می دهند (حکیم پور، ۱۳۸۲: ۳۸۱). اکوفمینیستها با گرایشهای مختلف بر موضوعات گوناگون تأکید می کنند. هر چند پیشفرضهایی که پیش از این ذکر شد در همه آنها مشترک است. همان گونه که «کارن ورن»^۵ مؤلف چندین اثر در حوزه فمینیسم و اخلاق زیست محیطی، بیان می کند، اکوفمینیست سوسپالیست (تأکید بر عدالت اجتماعی)، اکوفمینیست فرهنگی (نقد فرهنگ مردسالاری و تأکید بر روابط بیولوژیک و نمادین میان زن و طبیعت)، اکوفمینیست لیبرال (تأکید بر ساختارهای دولتی و قوانین اکوومنیست^۶ و اکوفمینیست افراطی، ... می توانند گرایشهای این رویکرد به شمار روند (Lorentzen & Eaton: 2002: 1). به رغم اینکه ارائه تیپولوژی منسجمی از اکوفمینیسم سخت و ناممکن است، وال پلاموود^۶ (۱۹۹۲) دو شاخه اصلی اکوفمینیسم را تحت

عنوان اکوفمینیسم فرهنگی و اجتماعی مطرح می‌کند که تفاوت دو گرایش به چگونگی نگرش آنها به ارتباط دو مفهوم زن و طبیعت بر می‌گردد. اکوفمینیسم فرهنگی تمایل دارد زن و طبیعت را در پیوند با همدیگر مطرح کند؛ زیرا معتقد است زنان با توجه به ویژگی‌هایی که دارند از نظر شناختی درک ویژه تری نسبت به طبیعت در مقایسه با مردان دارند (Mies & Shiva, 1993 به نقل از همان: ۴۹). اکوفمینیسم فرهنگی معتقد است زنان به دلیل ویژگی‌های بیولوژیکی طبیعت را بهتر می‌فهمند و نیز به دلیل ویژگی‌های زیستی مثل وظیفه تهیه آب و علوفه و ارتباط داشتن با زمین بیشتر با طبیعت پیوند خورده‌اند و بیشتر از تخریب محیط زیست آسیب می‌بینند (که البته به شیوه زیست در مناطق مختلف جغرافیایی بستگی دارد). عناصر طبیعت مثل درختان و جنگلها از نظر اکوفمینیست‌های فرهنگی پدیده‌های فمینیستی هستند؛ چرا که مثل خود زمین ویژگی باروری دارند؛ یعنی اکوفمینیسم فرهنگی نوعی رابطه ذاتی میان زن و طبیعت برقرار می‌کند که هم در فرهنگ و هم در ویژگی‌های بیولوژیکی ریشه دارد؛ اما فمینیسم اجتماعی به شبکه اجتماعی و روابط قدرت در طول تاریخ توجه می‌کند که کم‌کم در ساختار اجتماعی و روابط فردی نهادینه شده است. اکوفمینیسم اجتماعی، اکوفمینیسم فرهنگی را نوعی تقلیل‌گرایی تلقی می‌کند (رک عنایت و فتح‌زاد، ۱۳۸۸: ۵۰). این رویکرد جنبش‌های مدنی و سیاسی را با خودش به همراه داشته است. هرچند مقوله‌بندی اکوفمینیسم، مورد مناقشه است، آنچه این امور ناهمسان را منسجم می‌سازد، همان ادعایی است که کارن ورن آن را بدین‌گونه توصیف می‌کند: «روابط مهمی بین غلبه زنان و غلبه طبیعت وجود دارد» (Lorentzen & Eaton: 2002: 1). گرچه طیفی از تعاملات مربوط به زن/طبیعت در جریان تفکر و فعالیت اکوفمینیست بررسی شده است به نظر می‌رسد که سه نوع از این تعاملات برای نظریه اکوفمینیست مرکزیت دارد که عبارت است از: «تعامل تجربی»، «تعامل مفهومی و یا تعامل فرهنگی/نمادین» و «تعامل معرفت‌شناسانه» (همان). در این مقاله بر تعامل فرهنگی/نمادین میان زن و طبیعت تمرکز می‌شود. کارن وارن می‌گوید: «فمینیسم بوم‌شناختی عقیده‌ای است که در آن پیوندهای مهم تاریخی، نمادین و نظری بین سلطه بر زنان و سلطه بر طبیعت غیر انسانی بررسی می‌شود» (وارن، ۱۳۸۳، ج ۲: ۷۹). بررسی نمادها، اسطوره‌ها و آداب و رسوم ملل و اقوام مختلف به منظور دستیابی به مظاهر پیوند تاریخی و فرهنگی میان طبیعت و

زن می‌تواند ما را در فهم و پذیرش این رویکرد یاری کند. عده زیادی با این عقیده «روتر»^۷، که شیوه‌های فرهنگی غربی، تصوّراتی ذومراتب و دوگانه درمورد جهان ارائه می‌دکند، موافقت می‌کنند. این تصوّرات در راستای سازماندهی جهان قرار دارد. ادعای «روتر» این است که ساختارهای مفهومی دوگانه، زنان را با ویژگی‌هایی همچون «زنانگی»، «جسم»، «زمین»، «تمایلات جنسی» و «شهوت» مشخص و مردان را با ویژگی‌هایی همچون «مردانگی»، «روح»، «ذهن» و «قدرت» تعیین می‌کند. این ادعا دالّ بر این است که مردان نسبت به زنان و طبیعت از قدرت ذاتی برخوردارند. این ساختار دوگانه، نزد یونانیان مورد حمایت قرار گرفت و به واسطه مسیحیت تداوم یافت به طوری که بعدها در جریان انقلاب علمی، تقویت شد. در این فضای فرهنگی، غلبه توّامان بر زنان و طبیعت، موجّه و طبیعی به نظر می‌رسید. این غلبه، عمدتاً به واسطه «مذهب»، «فلسفه» و دیگر «نمادهای فرهنگی»، «شبکه‌های رسانه‌ای» و «ساختارها» مورد تقویت قرار گرفت (Lorentzen & Eaton: 2002: 2). رادرفورد معتقد است: «تمام مشکلات جامعه در تقسیم خود/دیگری ریشه دارد. از نظر او دوگانه‌های انسان/طبیعت، خدا/آفرینش نیز از نوعی بیگانگی فرعیّت جزء دوم رنج می‌برند؛ درست مثل بحث مرد/زن» (پاک نیا و مردیها، ۱۳۹۰: ۱۱۷).

افسانه پری دریایی، که از لحاظ قدمت و گستره در فرهنگ ملل مختلف قابل ملاحظه است، نمونه خوبی از این باورهای است که پیکر دو پاره او، دوگانه انسان و غیر انسان در عین حال زن و طبیعت پیوند برقرار کرده است. این موجود افسانه‌ای از سویی با انسانها بویژه زنان رابطه و تعامل دارد و از سوی دیگر با آبها و دریاها. در افسانه‌ها و داستانها از جمله داستانهای منیرو روانی پور، نوع رابطه همزمان پری دریایی با انسان و طبیعت قابل تأمل و بررسی است بویژه اینکه تمایز قابل توجهی میان رفتار آنها با زنان و مردان مشاهده می‌شود. دو پاره بودن بدن این موجود افسانه‌ای رفتارهای او را نیز در تعامل با انسانها دوگانه کرده است؛ گاه عاشق آنها می‌شود و گاه همانند طبیعت بر آنها خشم می‌گیرد تا جایی که داستان نویس تلاش می‌کند این رفتار دوگانه را به دو نوع پری دریایی با دو رنگ متمایز نسبت دهد. منیروروانی پور با دغدغه‌های زنانه خود توانسته است در داستانهای خود با برجسته ساختن شخصیت پری دریایی (آبی‌ها و سرخ‌ها) نقش آنان را در تغییرات زیست محیطی از دید باورهای زنان بومی

نشان دهد. در این مقاله تلاش می‌شود با معرفی این موجود اسطوره‌ای و افسانه‌ای و نقش آن در باورهای زنان جنوب در داستانهای روانی‌پور آن را با مباحث مطرح در اکوفمینیسم پیوند داده‌شود.

پیشینه

پیشینه این تحقیق را در دو زمینه می‌توان پی‌گرفت: نخست پژوهشهایی که در باره اکوفمینیسم انجام شده است. سابقه پرداختن به این موضوع در ایران زیاد نیست و منابع مستقل و متعددی را نمی‌توان سراغ گرفت. در مجلد دوم کتاب اخلاق زیست محیطی از لویی پویمان، فصل ششم به مباحث نظری این موضوع پرداخته است. همچنین مباحث نظری اکوفمینیسم را می‌توان در مقاله‌ای با عنوان «رویکرد نظری به مفهوم اکوفمینیسم» از حلیمه عنایت و حیدر فتح‌زاده پی‌گرفت. پارساپور در کتاب نقدبوم‌گرا (۱۳۹۲) فصلی را به محیط زیست و جنسیت اختصاص داده است و در باره این رویکرد و ارتباط آن با ادبیات بحث کرده است. همین نویسنده مقاله مشترکی با خانمها قلی‌پور و خلیل‌اللهی با عنوان «خوانش اکوفمینیستی رمان اندوه جنگ با تکیه بر رابطه فرهنگی و نمادین» در پژوهشنامه زنان دارد که نمونه‌ای از نقد عملی با چنین رویکردی را ارائه کرده است. دسته دوم از منابعی که می‌توان به عنوان پیشینه این مقاله ذکر کرد، تحقیقاتی است که درباره اسطوره پری و پری دریایی انجام شده است به غیر از فرهنگهای مربوط به اسطوره‌ها و نمادها به مقاله ارزشمند مهران افشاری ذیل مدخل «پری» در دانشنامه جهان اسلام می‌توان اشاره کرد. داستانهای منیرو روانی‌پور بویژه از دید نمادها و فولکلور نقد و بررسی شده است؛ از آن جمله می‌توان به مقاله سیده نرگس رضایی با عنوان «بررسی و تحلیل حضور عناصر فولکلوریک در داستانهای منیرو روانی‌پور، اهل غرق، سیریا سیریا، سنگهای شیطان و کنیزو» اشاره کرد که در بخشی از آن به نقش پری دریایی در داستانهای او پرداخته است. لازم به ذکر است که تاکنون داستانهای منیرو روانی‌پور از دید اکوفمینیستی بررسی نشده است. در این مقاله با تمرکز بر داستان «آبی‌ها» به نقش پریان دریایی در پیوند اسطوره‌ای و نمادین میان مفهوم زن و دریا پرداخته و تلاش می‌شود این پیوند در ادبیات، فولکلور و فرهنگ مردم جنوب نشان داده‌شود که در داستانهای روانی‌پور متجلی شده است.

پری دریایی در داستانهای منیروروانی پور

منیروروانی پور متولد ۱۳۳۳ در بوشهر نویسنده‌ای است که داستانهایش با طبیعت و مردم جنوب پیوند خورده است. آشنایی او با این منطقه موجب شده است بسیاری از آداب و رسوم و باورهای مردم این منطقه در داستانهای او دیده شود. زنان در داستانهای این نویسنده نقش پررنگی دارند. اولین مجموعه داستانی او با نام کنیزو در سال ۱۳۶۷ منتشر شد. این مجموعه شامل داستانهای «کنیزو»، «شب بلند»، «آبی‌ها»، «طاووسهای زرد»، «دریا در تاکستانها»، «مانا»، «مانای مهربان»، «پرشنگ»، «مشنگ» و «جمعه خاکستری» است. زنان و دریا در بیشتر این داستانها نقش پررنگی دارند. در جای جای داستان، صدای زنان و دریا همزمان به گوش می‌رسد؛ اما حضور برجسته پریان دریایی را در کنار زنان و دریا در داستان «مانا، مانای مهربان» و «آبی‌ها» ملاحظه می‌کنیم. همچنین در رمان «اهل غرق» همین نویسنده، که به سبک رئالیسم جادویی نوشته شده است پریان دریایی نقش برجسته‌ای دارند. در این رمان زنان جفّره نگران همسران ماهیگیر خود هستند که مبادا همزمان که به بهره‌مندی از دریا مبادرت می‌کنند در اندیشه تصاحب پریان زیبای دریایی باشند. در اینجا داستان کوتاه «آبی‌ها» را برای بررسی عنوان مقاله انتخاب شده‌است تا ضمن تحلیل داستان، مقایسه‌ای میان شخصیت‌پردازی این پریان دریایی توسط روانی‌پور با شخصیت اسطوره‌ای و افسانه‌ای آن انجام شود.

خلاصه داستان «آبی‌ها»

داستان با زاویه دید اول شخص از زبان دختری روایت می‌شود، از روزی که همه زنان ساحل در پاتیل بزرگی که مردان با آب دریا پر کرده بودند، حنا درست، و دستهایشان را رنگین کردند. زنان یک کاسه حنا را نیز در دریا به شکل نمادین برای آبی‌ها (پریان دریایی) می‌ریزند و مردان جشن می‌گیرند. بعد از آن مردان برای گرفتن ماهی به دریا می‌روند و از ساحل دور می‌شوند. دختر راوی به همراه مادر بزرگش که منتظر پدر بزرگ است در شبی مهتابی به ایوان می‌رود. دختر، پریان دریایی را این گونه توصیف می‌کند: «آبی است، صورتش هم آبی است. موهایش نقره‌ای است. مثل رنگ دریا وقتی که صبح زود است و ماهی گیرها زنبیل‌های پر از ماهی را به ساحل می‌آورند. موهایش هر شب

برق می‌زند». مادر بزرگ و دختر راوی او را می‌بیند که لاغر شده و روبه‌روی ماه نشسته است. زنان با توسل به طلسمها و با التماس از آبی‌ها می‌خواهند مردانشان را برگردانند. مادر بزرگ می‌گوید که پری دریایی تنهاست و گریه می‌کند تا مرد ماهیگیر کنارش بماند. پری دریایی گریه می‌کند و از ماه می‌خواهد جای ماهیگیر را به او نشان دهد. زنها معتقدند که آبی‌ها به کسی آسیب نمی‌رسانند و این سرخ‌ها هستند که تنها مردان را به هلاکت می‌رسانند. شب بعد دوباره پری دریایی را لاغرتر می‌بینند که به ساحل آمده است. مادر بزرگ آبی‌ها را دوست دارد و به ماهیگیر نفرین می‌کند. شبهای بعد از ماه خبری نیست و دیگر زنان آبی را نمی‌بینند. مادر بزرگ نمی‌گوید اما دخترک می‌داند که اگر آبی‌ها نفرین کنند، همه می‌روند زیر دریا، همانجا در خانه می‌ماند. بالا آمدن آب دریا مال گریستن همزمان همه ماهیگیران است. صحنه آخر صحنه عزاداری زنان است که از بازگشت مردان ناامید شده‌اند. ماه دیگر دیده نمی‌شود. در تاریکی شب دوباره مادر بزرگ آبی را می‌بیند. آبی لاغر و تکیده از مادر بزرگ می‌خواهد که دلش را به او بدهد تا برود و ماهیگیر را پیدا کند. مادر بزرگ با التماس از او می‌خواهد منصرف شود؛ چرا که اگر از ساحل فاصله بگیرد خواهد مرد. اما سرانجام دلش را به او می‌دهد و همان لحظه نیمی از پیکرش به ماهی تبدیل می‌شود. مادر بزرگ به انتظار بازگشت او می‌ماند اما ناگهان ماه در آسمان ظاهر می‌شود و او می‌فهمد که پری مرده است. دخترک در حالی که می‌داند پدر بزرگ دیگر برنمی‌گردد نگران مادر بزرگ است که مبادا برود به دریا و مادر بزرگ ماهیها شود.

تحلیل داستان «آبی‌ها»

در این داستان زنان، پریان دریایی، مردان ماهیگیر نقش اصلی را دارند. نوع رابطه و نگاه هر یک از آنها به دریا، که در این داستان مظهر طبیعت مهار نشده است با دیگری متفاوت است. پری دریایی به عنوان موجودی افسانه‌ای از یک سو با دریا و از سوی دیگر با زن پیوند خورده است. در روایات اسطوره‌ای نیز این پیوند هم در شکل ظاهری او و هم در توصیفاتی که از شیوه زیست و خلق و خوی او شده است، ملاحظه می‌شود. در اینجا به طور خلاصه، چهره پری دریایی در افسانه‌ها مرور می‌شود تا بتوان پیوندی میان چهره اسطوره‌ای او و آنچه روانی‌پور در این داستان به آن اشاره کرده است برقرار کرد.

رابطه زن، آب و پری دریایی در اسطوره

آب در اسطوره‌ها عنصری زنانه، و نمادی باستانی برای زهدان و باروری و همچنین نماد پاکسازی و نوزایی است (حسنى جليليان، حيدرى و ديگران، ۱۳۹۳: ۲۱). در باور قدما جهان تحت قمر و عالم طبيعت از چهار عنصر تشكيل شده است. اين عناصر چهارگانه يا چهار آخشيچ يعنى باد و خاک و آتش و آب از نگاه گذشتگان ماهيتى جنسيتى داشتند.

از جمله در آيين زروانى باد و آتش را به عنوان عناصر نرينه و آب و زمين (خاک) عناصر مادينه نام برده شده است. اين چهار آخشيچ در چهار طبقه زمين را فرا گرفته اند. آب و خاک، که مادينه بودند در پايين و باد و آتش، که نرينه بودند در بالا قرار می‌گرفتند (قائمی، ياحقى و پورخالقى، ۱۳۸۸: ۶۳).

به اين ترتيب تقابل دوگانه‌اى که ژاک دريدا از آن سخن می‌گويد در اينجا لحاظ می‌شود. در تعبير ديگرى که در ادبيات فارسى رواج دارد هر چهار عنصر زير فلک مادينه هستند که از آنها به امهات سفلى تعبير می‌کنند که در برابر آبای علوى که ستارگان هستند در بالا قرار گرفته‌اند و به اين ترتيب آسمان جنسيت مردانه پيدا می‌کند و زمين و آنچه تحت فلک است مادينه می‌شود و باز با اين تفسير تقابل دوگانه جنسيتى همچنان لحاظ می‌شود. در باورهای عاميانه از جمله باورهای مردم جنوب نيز آب و دريا عنصرى مادينه هستند (۱). در بوشهر وجود قدیسه‌هاى متعدد چون بی‌بی زليخا، بی‌بی خاتون تداعى کننده روان پاک آب هستند (رک شياسى و ولى عرب، ۱۳۹۶: ۱۱۸).

پرى دريائى اسطوره‌اى ترکيبى است که نيمى از پيکر او زن و نيمى ديگر ماهى است. رستگار فسايى در فصل آخر کتاب پيکرگردانى در اساطير، بخشى را به اسطوره‌هاى ترکيبى اختصاص می‌دهد (رک رستگار فسايى: ۱۳۸۸)؛ موجوداتى که انسان با تخيل خود پيکر آنها را ترکيبى از انسان و ديگر موجودات مثل اسب، مار، عقاب، گاو، اژدها و يا ماهى ساخته است. شايد اين پيکره‌ها بيان ذهنيت انسانهاى گذشته باشد که برخلاف انسان امروز فاصله زيادى ميان جهان خود و ديگر موجودات قائل نبودند. اسطوره پرى دريائى با سابقه‌اى بسيار در اساطير جهان با آنها و درياها گره خورده است.

واژه يونانى Nymphs به معنى عروس و نيز عروسک است و همراه برخى از الهه‌هاى اسطوره‌اى نام برده می‌شود. بر مبنای نظر ميرچا ايلیاده پريان در اصل با آب در حال جريان يا فواره‌ها و يا چشمه‌ها، سيلابها و آبشارها برابرنند و به سبب

ارتباطی که با آب دارند و مفهوم آنها ضد و نقیض است؛ یعنی همان اندازه که می‌توانند بر تولد و باروری ناظر باشند با مرگ و نیستی ارتباط دارند. یونگ از دیدگاه روانشناسانه فردیت، پریان را نمودی مستقل و گاه ناقص از ویژگیهای زنانه ناخودآگاه می‌داند (سرلو، ۱۳۸۸: ۲۲۵).

در قصه‌های پریان در داستانهای عامیانه ایران نیز جایگاه پریان عبارتست از چشمه سارها و چاه‌ها و پاکنه‌ها و پلکان آب‌انبارها (شریفی، ۱۳۸۷: ۳۵۴). بر خلاف پری دریایی در اسطوره‌های یونان، که میان پیکر زن و ماهی پیوند برقرار کرده، پری در ایران بیشتر در شمایل زنی زیباست که بال و پر دارد و از چشم انسانها پوشیده است؛ به عبارت دیگر پیکر پری در ایران از پیوند زن و پرنده شکل گرفته است. شاید این تفاوت شمایل به ویژگیهای اقلیمی و تفاوت اقلیم یونان و بخشهای مرکزی ایران بازگردد که متناسب با زیستگاه پریان در یونان دریا و در ایران چاه‌ها و آب‌انبارها چنین شمایلی را شکل داده است؛ اما آنچه در این بحث برای ما مهم است پیوندی است که این موجود از سویی میان انسان و طبیعت و از سوی دیگر میان زن و آب برقرار کرده است.

چهره دوگانه آب، پری دریایی و زنان

پری در تاریخ و ادبیات ما چهره واحدی نداشته است. شخصیت پری از موجودی اهریمنی و افسونگر و ویرانگر تا موجودی زیبا و دوست داشتنی، که موجب باروری و سرسبزی می‌شود، متغیر است. مهران افشاری در دانشنامه جهان اسلام، ذیل عنوان پری به بررسی چهره دوگانه پری در اسطوره‌های پیش از زردشت و اوستا پرداخته است: در اسطوره‌های پیش از زردشت پری ایزدبانوی باروری و زایش بود که تولد فرزندان، برکت و فراوانی نعمت جاری شدن آبها و رویش گیاهان به نیروی او بستگی داشت. زنی بسیار زیبا و فریبنده بود که به مردان عشق می‌ورزید و آتش عشق را در نهاد انسان برمی‌افروخت؛ از این رو ستایش می‌شد. این چهره پری در ادبیات ما به جا مانده است؛ ویژگی زیبایی و دلربایی پری، که در داستانهای عاشقانه و غزلیات با تعبیری مثل پری رخ، پری پیکر، پریزاد و پری چهره و معشوقه‌ها را توصیف می‌کنند و ازدواج با دختر شاه پریان به صورت آرزو مطرح می‌شود؛ اما در اوستا پریان در کنار جادوان مطرح می‌شوند که به یاری اهریمن می‌آیند و موجب گمراهی پیروان مزدیسنا می‌شوند



و ضد زمین و آب و گیاه و ستوران در کارند و موجب خشکسالی می‌شوند. این پریان به شکل ستاره دنباله دار با تیشتر فرشته باران در ستیزند تا وی را از بارندگی باز دارند (ر.ک دانشنامه جهان اسلام/ پری).

این دو چهره پری را در طول تاریخ و ادبیات همچنان ملاحظه می‌کنیم. در باورهای عوام و داستانهای عامیانه، پریان موجوداتی غیب‌دان هستند که گاه دیوان را یاری، و یا دیگران را طلسم می‌کنند؛ گاه به شکل‌های گوناگونی در می‌آیند و مثل فرشته به یاری گرفتاران و افراد نیازمند و بیماران می‌شتابند. پری از لحاظ چهره شبیه انسان است اما از لحاظ پیکر به شکل‌های گوناگون مثل اسب، گاو، مار سپید، کبوتر در می‌آید. گاه پیکری کاملاً شبیه زن دارد که دارای دو بال هست.

آب نیز درست مثل خود طبیعت دو چهره دارد: حیات‌بخشی و نابودکنندگی (سرلوی: ۹۱)؛ در عین حال که حیات برآمده از آب، و آب نمادی از حیات این جهانی است، می‌تواند موجب سیل و ویرانی و مرگ شود و یا موجودات را در خودش غرق کند. از این رو ژرفای دریا در دنیای اسطوره دنیای مردگان و جهان پس از مرگ است. از سوی دیگر بیرون آمدن از آب به منزله تولدی دوباره است که در غسل تعمید این معنا ملاحظه می‌شود.

این دو چهره بودن در مورد زنان چگونه است؟ می‌شود به نوعی در ماجرای عشق مردان به زنان، که در ادبیات ما مطرح می‌شود، این دو جنبه را همزمان دید. زنان در عین حال که مردان عاشق را مثل پریان دریایی مجذوب خودشان می‌کنند با چهره دیگر که در اشعار بی رحم و قاتل و عاشق کش از آن تعبیر شده با بی‌اعتنایی و فراق او را در دریای عشق از پا در می‌آورند. این تعبیر دریای عشق بارها در ادبیات ما به کار رفته است. البته در این تمثیل باز مردان نقش صیاد و شکارچی را دارند که برای تسلط و یا مالکیت حاضرند مخاطره کنند و در این دریا که موج بیکران دارد وارد شوند.

بد نیست در این مجال، شعری از مترجم و شاعر معاصر استاد ابوالقاسم حالت با عنوان «زن و دریا» نقل می‌شود. در این شعر ابوالقاسم حالت به زیبایی ضمن به تصویر کشیدن چهره دوگانه زنان در ادبیات، شباهتهایی را میان خلق و خوی آنان با دریا بیان می‌کند:

در پیش هم نهادم و سنجیدم طبع زن و طبیعت دریا را

چون هر دو را به چشم خودم دیدم کم یافتم تفاوت آنها را
دریاست پر مخاطره و زن هم این را تو درک کرده‌ای و من هم
دریا چو تند باد بر آمد تیز از او رمید موج و عنان بگسست
در پیش تند باد حوادث نیز زن می‌دهد عنان شکیب از دست
آری به هر تصادف نا مطلوب دریا کند طلا تم و زن آشوب

صرف نظر از اینکه شعر تا چه حد با داده‌های روانشناسی امروز مطابقت کند، باشد می‌تواند مؤید پیوند میان زن و دریا در ذهن و زبان ما و نیز لحاظ کردن چهره دوگانه آنان در ادبیات باشد.

تحلیل و مقایسه داستان «آبی‌ها» با داده‌های اسطوره‌ای

همان‌طور که بیان شد، اسطوره پری دریایی از یک سو با دریا و از سوی دیگر با زن پیوند خورده است و از این رو ملاحظه می‌شود هم ویژگیهای دریا و آب در اوست و هم ویژگیهای زن. در گفتگوی گلپر با مادر بزرگ، واژه «آبی» در مورد پریان دریایی می‌تواند به دو معنا به کار رود و این ارتباط را پررنگتر سازد: «گلپر می‌گوید: پیراهنش آبی است. مادر بزرگ می‌گوید: جنسش آبی است.» از جمله ویژگیهای مشترک او با دریا، که هم در اسطوره و هم در داستان بر آن تأکید شده چهره دوگانه اوست که هم آسیب‌زننده است و هم یاری‌کننده و حتی عاشق. این دو چهره متفاوت را در داستانهای روانی پور نیز مشاهده می‌کنیم. با این لحاظ که نویسنده این دو چهره را از شکل یکپارچه اسطوره‌ای خود خارج ساخته و در قالب دو نوع جدا از پریان دریایی یعنی آبی‌ها و سرخ‌ها به تصویر کشیده است. در واقع سرخ‌ها نوع دیگری از پریان نیستند بلکه زمانی که از آدمها خشمگین می‌شوند سرخ می‌گردند (۱۰۲). در داستان جنبه سلامت و عشق ورزی پریان به ماهیگیران به نوع پریان دریایی آبی نسبت داده شده است که به قول مادر بزرگ هیچ کس را غرق نمی‌کند و آسیبی به کسی نمی‌زنند و نوع خشونت و طوفانزایی آنها به «سرخ‌ها» سرکرده آنها بوسلمه حاکم زشت روی دریاهاست. سرخ‌ها طوفان برمی‌انگیزند و انسانها را در دریا و آبادیهای نزدیک آن در کام دریا فرومی‌برند (ر.ک حسنعلی زاده، ۱۳۸۸: ۴۴)؛ در عین حال در جای جای داستان مادر بزرگ مواظب است آبی‌ها خشمگین و ناراحت نشوند. اشک آبی‌ها می‌تواند تمام بندر را زیر آب دریا غرق کند. گویی پری دریایی آبی همیشه آبی نیست و می‌تواند در

نتیجه رفتار نادرست آدمها خشمگین شود و نقش پریان سرخ را بازی کند؛ به این ترتیب داستان به گونه نمادین خشم طبیعت را نتیجه عملکرد انسانها می‌داند. پری دریایی آبی عاشق در طول داستان در انتظار مرد ماهیگیری خود را به ساحل می‌زند و مویه می‌کند و چشم به ماه دارد؛ چرا که ماه از سرنوشت مردان داستان خبر دارد. ماه در اسطوره‌ها نماد مذکر است و در این داستان با بالا گرفتن احتمال غرق شدن مردان در آب با پوشیده شدن چهره ماه نیز پشت ابر (آب) پنهان می‌شود.

آبی از زنان آبادی کمک می‌خواهد. مادر بزرگ با دیدن حال نزار او حتی مرد ماهیگیر را نفرین می‌کند. این عشق با وجود هشدار مادر بزرگ سرانجام او را از دریا دور می‌کند و به شهر می‌کشانند که حاصلی جز مرگ برای او به همراه ندارد. صحنه نمادینی در این بخش از داستان روایت می‌شود و آن اینکه آبی برای یافتن ماهیگیر به دل مادر بزرگ نیاز پیدا می‌کند؛ دلی پر از غم و جالب اینکه مادر بزرگ با از دست دادن دلش به پری دریایی مبدل می‌شود و پاهای خود را به آبی می‌دهد تا بتواند به جستجوی ماهیگیر برود. گویی وجه تمایز زن داستان با پری دریایی دل دردمند مادرانه اوست. مادر بزرگ با پیدا شدن چهره ماه از زیر ابرها می‌فهمد که آبی مرده است. مادر بزرگ می‌داند که پری‌ها نمی‌توانند از آب دور شوند. عشق پریان دریا در ادبیات و مرگ آنها بر سر این عشق آزموتیفهای پر تکرار در ادبیات است. در شعری که از فروغ فرخزاد در آغاز این مقاله آمد، همین موتیف ملاحظه می‌شود. در داستان دیگر مجموعه کنیز و به نام «مانا، مانای مهربان» نیز راوی می‌گوید «پریان دریایی تا وقتی آبی هستند عاشق می‌شوند» (۱۰۲).

دریا (آب) چنانکه در اسطوره ملاحظه‌شد، دو چهره دارد: هم مظهر حیات و آفرینندگی است و هم مظهر نابودکنندگی و مرگ؛ هم موجب بقای انسان و دیگر موجودات است و هم سیل، و دریا می‌شود و انسانها را در کام خود فرو می‌برد. دریا در داستان «آبی‌ها» هم مظهر حیات و زندگی این جهانی است که هم ماهیگیران از آن ارتزاق می‌کنند و هم ژرفای آن جایگاه غرق شدگان است که راوی از آنها تعبیر به مردگان نمی‌کند بلکه می‌گوید مردان غرق شده می‌روند در خانه پریان می‌نشینند و برای خانه‌های خود دلتنگی می‌کنند. در بحث اسطوره‌ها نیز ملاحظه شد که ژرفای دریا نماد دنیای پس از مرگ است و از این لحاظ با داستان پیوند دارد.

زنان در داستان آبی‌ها ارتباطی بسیار نزدیک و مبتنی بر احساسات و گاه خرافات با طبیعت، دریا، ماه و پریان دریایی دارند و نوع تعامل آنها بر نگاه و باورهای مبتنی است که نشانی از سلطه بر طبیعت را در خود ندارد بلکه پدیده‌های طبیعت را موجوداتی زنده می‌نگرند و با آنها ارتباط برقرار می‌کنند. صدای باد، صدای امواج، وضعیت ماه همه و همه با او حرف می‌زنند و او می‌تواند با طبیعت اطراف خود ارتباط برقرار کند. مادر بزرگ برای آبی‌ها هم حنا درست می‌کند و به دریا می‌ریزد تا آنها هم موها و دستهایشان را رنگ کنند. حرفهای پری دریایی را می‌شنود؛ حال او را می‌فهمد و برای او دلسوزانه می‌گرید (ص ۵۸)؛ حتی حاضر می‌شود دل خود را به او بدهد. عجیب تر این که در پایان داستان خود به پری دریایی تبدیل می‌شود که نیمی از بدن او انسان و نیمی دیگر متعلق به دریاست و این خود نشان دیگری از نزدیکی زنان داستان به طبیعت است. زنان داستان منیرو از یک سو نگران همسران و فرزندان خود هستند و از سوی دیگر نگران دریا و تاریکی و باد و خشم طبیعت و این همه نگرانی مادرانه آنها را وادار می‌کند به طلسم و جادو و خرافات بیشتر از مردان روی بیاورند. ارتباط زنان با جادو و خرافات در طول تاریخ ادبیات و نقش زنان ساحره و جادوگر از جمله مباحثی است که مورد توجه فمینیستها قرار گرفته است. فمینیستهای رادیکال از «ساحره‌ها» به عنوان پیشتازان مبارزه زنان تجلیل می‌کنند و جادوگری و سحر را به عنوان گفتارهای ضد مردانه و نقطه مقابل خردورزی مردانه مطرح می‌کنند و از اینکه در طول تاریخ غرب در مقابل هژمونی مردانه مقاومت کرده‌اند آنها را ستودنی می‌دانند (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۲۹۳). شاید بتوان گفت زنان از این طریق خواسته‌اند با طبیعت پیوند و ارتباط برقرار کنند، چنانکه مردان از طریق قدرت فکر و قدرت بدنی تلاش کردند و بر طبیعت مسلط شوند.

از سوی دیگر دریا و پریان دریایی، حتی سرخ‌ها با زنان کاری ندارند. بر اساس تعریفی که روتر از دوگانه‌ها دارد در این داستان نیز ارتباط زنان با طبیعت، زمین و احساسات، پر رنگ ملاحظه می‌شود.

دو گانه‌های انسان/ طبیعت و زن / مرد در داستان

اکوفمینیست‌ها همزمان، دوگانه انسان و طبیعت و نیز دوگانه مرد و زن را در نظر می‌گیرند و در صدد دفاع همزمان از زن و طبیعت و از بین بردن سلطه همزمان مرد بر

زن و طبیعت برمی‌آیند. کارن وارن با توجه به نظریه‌هایی که در اخلاق زیست محیطی وجود دارد، دو مفهوم اصلی از بوم‌شناسی فمینیسم لیبرال ارائه می‌کند: در اولی بین انسان و غیر انسان خطی اخلاقی کشیده می‌شود و حقوق غیر انسانها به نسبت ارتباط آن با انسانها تعریف می‌شود. این ارتباط می‌تواند در مورد منافع انسانها یا در مورد تأثیر آن بر زندگی بهتر انسانها باشد. در رویکرد دوم این تعیین خط مشی اخلاقی همزمان شامل انسانها و غیر انسانها می‌شود با این فرض که غیر انسانها هم می‌توانند موجوداتی معقول، دارای حواس و حقوق و منافع خاص خودشان باشند (وارن، ۱۹۹۳: ۲۵۴).

ارتباط انسانها با طبیعت در این داستان به ارتباط ساحل نشینان با دریا محدود می‌شود. دریا و پری دریایی در این داستان پدیده‌ای منفعل و ایستا نیستند بلکه چونان بازیگرانی فعال نقش خود را ایفا می‌کنند. در نگاه مردان، که در طول داستان در دریا گم شده‌اند، دریا عرصه‌ای است که باید از طریق آن خود و خانواده‌شان را سیر کنند. جدال و تسلط بر امواج دریا و تصاحب ماهیها هدف غایی ماهیگیرانی است که همزمان، زنان ساحل نشین را در تصاحب خود دارند. در مقابل، امواج دریا مدام آنها و ساحل را تهدید می‌کند. زنان ساحل نشین مدام بیم دارند که این امواج همسران آنها را از آنها بگیرند؛ کشتیها را غرق کنند؛ زنان این خشم دریا را ناشی از خشم پری دریایی می‌دانند که عاشق مردی است که او را گم کرده است. در این تقابل طبیعت و مردان، وابستگی همزمان پری به دریا و به عشق او به مرد ماهیگیر قابل توجه است. مادر بزرگ هم در این میان دچار حسی دوگانه است. از سویی عشق او به پدر بزرگ موجب می‌شود که نسبت به دریا و پری دریایی که ممکن است نفرین او سبب خشم دریا شود، حس خوبی نداشته باشد و از سوی دیگر حس مادرانه‌ای نسبت به پری عاشق دارد و برای او غصه می‌خورد.

هوا مهتابی است. ماه بالای نخلها نشسته، به پشت پنجره ایوان که می‌رسیم می‌بینمش. آنقدر لاغر شده، انگار که درد باریک گرفته باشد. مادر بزرگ تا او را می‌بیند صورتش را با دست می‌پوشاند. شانه‌هایش تکان می‌خورند. مادر بزرگ آبی‌ها را دوست دارد و مرد ماهیگیر را نفرین می‌کند.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود حس زنانه موجب می‌شود در انتخاب میان دوگانه انسان و طبیعت مادر بزرگ جانب طبیعت را بگیرد؛ چرا که می‌تواند احساس پری عاشق

را کاملا درک کند و حتی زندگی خود را برای کمک به او به مخاطره اندازد. اکوفمینیستها معتقدند زنان به دلایل متعدد درک بیشتری نسبت به طبیعت دارند و از مردان به طبیعت نزدیکترند.

یکی از نمونه‌هایی که اغلب مورد بحث متفکران اکوفمینیست قرار می‌گیرد، «جنیش چپیکو» است. در ۱۹۷۴ میلادی، ۲۷ زن روستایی در شمال هندوستان با درآغوش گرفتن درختان جنگل مانع قطع شدن آنها به دست چوب برها شدند. این جنیش نشاندهنده نظرگاه متفاوت زنان روستایی در مقایسه با کارشناسان بیگانه‌ای است که شروع به تخریب جنگلها می‌کنند (وارن، ۱۳۹۵: ۱۰۳).

آنها بر معرفت و درک زنان بومی از طبیعت تأکید می‌کنند. در این داستان ملاحظه می‌شود که مادر بزرگ نسبت به طبیعت اطراف خود، نشانه‌های محیطی و وضعیت آسمان و دریا حساسیت و درک ویژه‌ای دارد و هر گونه تغییر محیطی برای او معنی خاص خود را دارد. ویژگی مشترک میان زنان و طبیعت یکی از دلایل مهمی است که موجب می‌شود زنان نسبت به طبیعت درک بیشتری از مردان داشته باشند؛ برای مثال زایایی، مراقبت، تغذیه و پرورش در زنان و طبیعت مشترک است. بنابر آنچه گفته شد در تقابل دوگانه میان انسان و طبیعت، تأکید بیشتر بر تقابل مردان و طبیعت در طول تاریخ است و در داستان آبی‌ها نیز این تقابل ملاحظه می‌شود.

در این داستان تقابل میان زنان و مردان به دلیل غیبت مردان مشاهده نمی‌شود. در طول داستان، زنان، نگران مردان هستند و منتظرند تا برگردند. راوی داستان در غیبت مردان، عشق مادر بزرگ به پدر بزرگ، زنان به همسرانشان و نیز پری دریایی به ماهیگیر را به تصویر کشیده است.

نکته آخری که در اینجا به آن اشاره می‌شود، تفسیری بومگرایانه از بخشی از داستان است. پری دریایی به دنبال عشق مرد ماهیگیری که از دریا دور شده و احتمالا به شهر رفته است؛ مریض و لاغر می‌شود و از پیرزن دل او را وام می‌گیرد تا به دنبال مرد ماهیگیر بگردد و از دریا فاصله بگیرد. در داستان «کنیزو» نیز روانی پور به این باور مردم جنوب اشاره دارد که

زایر آن قصه قدیمی را به یاد آورد که آبی‌ها گاهی آن زمان که دلتنگ ماهیگیری می‌شوند که از دریا بسیار دور است، پای زنان اهل زمین و یا سایه ساکنهای دریا را

می‌گیرند و در به در بیابانها و شهرها می‌شوند تا او را از فریب بزرگی که در راه است باخبر کنند.

براستی این فریب بزرگ چیست؟ در گفتار مادربزرگ دو هشدار مهم دیده می‌شود: نخست اینکه دل آدمیزاد را نخواه که پر از غصه است و دوم اینکه اگر از دریا فاصله بگیری خواهی مرد. در باورهای کهن موجودی اسطوره‌ای به نام اوآنه^۱ وجود داشت که به شکل نیمی انسان و نیمی ماهی ترسیم شده‌است. این موجود شبیه پری دریایی، پدیدآورنده فرهنگ بشریت دانسته شده است (ر.ک سرلو، ۱۳۸۸: ۹۳). اگر براساس این اسطوره تصویر یادشده از داستان تفسیر شود، چنین پیامی خواهد داشت که فرهنگ بشری تا زمانی حیات دارد که به بهانه شهر و شهر نشینی به محیط طبیعی خود و طبیعت پشت نکند؛ این هشدار است به همه ما انسانها. عشق به تمدن و شهر نشینی و گریز از طبیعت و بی‌اعتنایی به آن، چیزی جز فریب، دلمردگی و مرگ تدریجی جسم و روحمان در پی نخواهد داشت.

نتیجه

تعامل مفهومی و یا تعامل فرهنگی / نمادین که به اعتقاد اکوفمینیستها میان زن و طبیعت در طول مختلف تاریخی وجود داشت در اسطوره‌ها نیز به چشم می‌خورد. منیرو روانی پور در داستانهای خود همزمان به اسطوره پری دریایی و زنان برجستگی خاص داده و باورهای بومی مردم جنوب را در مورد دریا و پریان دریایی بخوبی در این داستانها منعکس ساخته است. این باورهای بومی مبتنی بر افسانه‌ها و اسطوره‌ها، پیوند میان زنان، دریا و پریان دریایی را نشان می‌دهد. نزدیک بودن زنان به طبیعت و حساس بودن آنها نسبت به تغییرات محیطی، تفاوت نگاه آنان به طبیعت نسبت به مردان از جمله باورهای اکوفمینیستهاست که در داستانهای روانی‌پور ظهور پیدا می‌کند؛ این رابطه به گونه‌ای است که می‌تواند دوگانه انسان / طبیعت را به مردان / طبیعت تغییر دهد. همچنین در داستانهای روانی‌پور، دریا و پری دریایی با دو چهره متفاوت خود حضور دارند و متناسب با رفتار انسان چهره مهربان یا خشمگین خود را ظاهر می‌سازند. مردان در داستانهای روانی‌پور صیادانی هستند که تلاش می‌کنند با تسلط بر دریا، روزی خود و خانواده خود را تأمین کنند؛ در عین حال دل زنان و گاه پریان دریایی را نیز گرفتار می‌کنند. در داستان آبی‌ها به دلیل غیبت مردان دوگانه زنان / مردان نمودی ندارد و

خواننده تنها شاهد نگرانی زنان ساحل نشین نسبت به مردان و عشق پری دریایی نسبت به ماهیگیری غایب است؛ به عبارت دیگر تنها با یک چهره زنان در این داستان روبه‌رو می‌شویم. منیرو روانی‌پور در داستانهایش بخوبی توانسته است تعامل زنان بومی را با طبیعت و تلاش آنها را برای حفظ رابطه صلح آمیز با دریا و مردان داستان نشان دهد.

پی‌نوشت

محمد علی بهمنی شاعر جنوبی در غزل خود از دریا با عنوان «خواهر» یاد می‌کند:

دریا شده است خواهر و من هم برادرش
شاعرتر از همیشه نشستم برابزش
خواهر سلام! با غزلی نیمه آمدم
تا با شما قشنگ شود نیم دیگرش

1. Ecofeminism
2. Deep ecology
3. Françoise d'Eaubonne
4. Karen Warren

5. «اکوومنیست» (Ecowomanist): «جنبشی است که درصدد همسان‌سازی موقعیت اجتماعی زنان با مردان است».

6. Val Plumwood
7. Ruether
8. Oannes

۴۹



فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۵، شماره ۶۲، زمستان ۱۳۹۷

فهرست منابع

افشاری، مهران، دانشنامه جهان اسلام، مدخل پری. در:

<http://rch.ac.ir/article/Details?id=13104&&searchText>

پاک‌نیا، محبوبه و مردیها، مرتضی؛ سیطره جنس؛ تهران: نشر نی، ۱۳۹۰.

حسنعلی زاده، فرناز؛ از خاک به خاکستر، بررسی آثار منیرو روانی‌پور. تهران: نشر پایان، ۱۳۸۸.

حسنی جلیلیان، محمدرضا و حیدری، علی و بیراوند، بهجت؛ «تحلیل اسطوره دوشیزه-مادر»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌ای، س ۱۰، ش ۳۵، ۱۳۹۳، ص ۱۰۷-۱۳۶.

حکیم‌پور، محمد؛ حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد؛ تهران: انتشارات نغمه نواندیشی، ۱۳۸۲.

رستگارفسائی، منصور؛ پیکرگردانی در اساطیر؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۸.

رضایی، سیده نرگس؛ «بررسی و تحلیل حضور عناصر فولکلوریک در داستانهای منیرو روانی پور: اهل غرق، سیریا سیریا، سنگهای شیطان و کنیزو»؛ پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش چهارم، بهار، ۱۳۹۵، ص ۱۰۵-۱۳۵
 روانی پور، منیرو؛ کنیزو؛ تهران: نیلوفر، ۱۳۸۰.

سرلو، خوان ادواردو؛ فرهنگ نمادها؛ مترجم مهرانگیز اوحدی، تهران: انتشارات دستان، ۱۳۸۹.
 شریفی، محمد؛ فرهنگ ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ نشر نو- انتشارات معین، ۱۳۸۷.
 شیاسی، مرتضی و ولی عرب، مسعود؛ «بررسی فرهنگ دریا بر فرهنگ عامه مردم بوشهر»؛ تاریخنامه خوارزمی، س پنجم، ش ۱۵، ۱۳۹۶ ص ۱۱۶-۱۳۲
 عنایت، حلیمه و فتح زاده، حیدر؛ «رویکردی نظری به مفهوم اکوفمینیسم»؛ مجله مطالعات جامعه شناسی، س دوم، ش ۵، زمستان ۱۳۸۸.

قائمی، فرزاد، یاحقی، محمدجعفر و پورخالقی، مهدخت؛ «تحلیل نمادینگی عناصر خاک و باد در اساطیر و شاهنامه فردوسی بر اساس نقد اسطوره‌ای»؛ ادب پژوهی، ش دهم، ۱۳۸۸، ص ۵۷-۸۲.

مشیرزاده، حمیرا؛ از جنبش تا نظریه اجتماعی تاریخ دو قرن فمینیسم؛ تهران: نشر پژوهش شیرازه، ۱۳۸۱.

وارن، کارن جی؛ «توانایی و تعهد فمینیسم بوم شناختی»؛ ترجمه منصوره شجاعی؛ مجموعه مقالات اخلاق زیست محیطی، ج ۲، تهران: توسعه، ۱۳۸۳.

وارن، کارن جی؛ «درآمدی به فلسفه محیط زیست زنانه نگر» ترجمه مریم نصر اصفهانی؛ مجله زنان امروز، س سوم، ش ۱۸، ۱۳۹۵، ص ۹۸-۱۰۳.

Lorentzen, Lois Ann. Eaton., Heather. Ecofeminism: An Overview. URL.2002.

http://fore.yale.edu/disciplines/gender
 Warren, Karen J. "Introduction" of *Environmental Philosophy: From Animal Rights to Radical Ecology*. Zimmerman, Michael E., J. Baird Callicott, Karen J. Warren, Irene J. Klaver, and John Clark, eds. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall, pp. 253-267. 1993.